

# محیط زیست: مشکلات و راه‌های برون‌رفت از منظر اسلام

سعید فراهانی فرد\*

چکیده

محیط سالم برای زندگی یکی از نعمت‌های الهی و از امور مورد توجه مردم است. اقتصاد نو در اندیشه رشد مداوم اقتصادی اقدام به استفاده گسترده از منابع زیست محیطی کرده که در بسیاری از موارد با تخریب آن‌ها و آسیب رساندن به محیط زیست همراه بود. به تدریج ظهور و گسترش بحران‌های زیست محیطی که دامنه آن افزون بر انسان، جانوران و گیاهان را نیز در بر گرفته است، سبب شد جوامع انسانی به این مسأله توجه بیشتری کنند. یکی از ابعاد مهم توجه به این مسأله نگاه از منظر دینی است. از این نگاه دو دیدگاه متناقض وجود دارد. عده‌ای بحران حاضر را ناشی از فاصله گرفتن از آموزه‌های ادیان دانسته و راه‌حل را در افزایش زمینه‌های تربیت دینی و اخلاقی می‌دانند. عده‌ای دیگر با نگاه سکولار و با اتخاذ موضعی متضاد مشکل را در آموزه‌های دینی جستجو، و آن‌ها را در بحران مؤثر دانسته‌اند.

دلستگی نداشتن به دنیا، مسلط شدن بر طبیعت از جانب خداوند و تجویز استفاده بدون حد از منابع طبیعی از مواردی است که به اعتقاد اینان، سبب ناپایداری توسعه شده است. در این مقاله، نگاه درون دینی و با استفاده از قرآن و روایات، و با نگاه برون دینی و با توجه به دیدگاه‌های گوناگون و گاهی متضاد درباره چگونگی استفاده از محیط زیست این

\* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

شبهات را پاسخ داده، اثبات می‌کنیم جدایی و فاصله گرفتن از ارزش‌های دینی این بحران را باعث شده است.

در نگاه ادیان و به‌ویژه اسلام، منابع طبیعی و سایر مواهب خداوند برای استفاده همگان آفریده شده است و محیط زیست مورد احترام شریعت قرار دارد و با تقویت مبانی دینی فردی و نهادهای اجتماعی مانند امر به معروف و نهی از منکر محیط زیست حفظ خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** منابع زیست‌محیطی، احیا، حیا، حیا، بهره‌برداری، محیط زیست، عدالت بین نسلی، توسعه پایدار، رابطه دنیا و آخرت، تسخیر.

## مقدمه

بدون شک، داشتن محیطی سالم برای زندگی یکی از نعمت‌های الهی و از امور مورد توجه مردم است. در گذشته نزدیک، به جهت این‌که مسأله آلودگی هوا جدی مطرح نبود و آدمیان از نعمت محیطی پاک بهره‌مند بودند و طبیعت مورد تهاجم بی‌رحمانه داعیه‌داران رشد و ترقی واقع نشده بود، خطر آلودگی محیط زیست توجه بسیاری را معطوف خود نکرده بود.

انسان از بدو خلقت خویش با تمام وجود از طبیعت هراس داشت؛ خطر جانوران درنده، خطر آب و هوای نامساعد و خطر محیط زیست وحشی؛ اما همین طبیعت ضروریات زندگی او و از جمله غذای گیاهی یا جانوری را به وی ارزانی می‌داشت؛ سپس انسان ماهر، به یاری اندیشه و به کمک ابزار، خود را برای رویارویی با خطرهای آماده کرد و به مهار عوامل طبیعی و رام کردن آنها و سرانجام بهره‌کشی از آنها در جهت منافع خود پرداخت. انسان‌ها با اتحاد و بذل کوشش‌های مشترک توانستند جنگل‌ها را به‌صورت زمین‌های آباد و قابل کشت و زرع درآورده، مسیر جریان آب رودخانه‌ها را تغییر داده، به ساختن بناها و آثار غول‌آسا و عظیم مانند اهرام مصر اقدام کنند. با این حال، تمام این اقدام‌ها به همان اندازه که جمعیت بشری تابع نوسان‌ها و نشیب و فرازهای برخاسته از رویدادها، جنگل‌ها، بیماری‌های مسری یا بلاهای عظیم طبیعی است، محدود می‌ماند.

انقلاب صنعتی، همراه با پیشرفت‌های علمی، فنی و پزشکی اوضاع را دگرگون ساخت. از سده هجدهم، عواملی چون افزایش و گسترش کشاورزی، انفجار جمعیت، دگرگونی‌ها را سرعت بخشیدند. انسان، بی‌شمارتر از همیشه، به راه‌ها و وسایل پیشرفته‌تری مجهز شد

که در راه جاه طلبی‌ها و بلندپروازی‌های وی برای چیرگی بر نیروهای طبیعت و تولید به کار می‌رفت.

اقتصاد نو بر اثر جنون آزمندی برگرفته از اندیشه رشد مداوم اقتصادی، در صدد کشف تکنیک‌های بهره‌برداری همراه با تخریب هرچه بیشتر از منابع طبیعی برآمد و انسان اقتصادی در این عرصه بر این باور بود که می‌تواند از ذخایر و منابعی که طبیعت به وی ارزانی داشته، جاودانه استفاده کند.

۹۵

اقتصاد اسلام

به تدریج ظهور و گسترش بحران‌های زیست محیطی که دامنه آن افزون بر انسان، جانوران و گیاهان را نیز در بر گرفته است، همانند از بین رفتن جنگل‌ها، آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی و در پی آن مرگ و میر فزاینده حیوانات آبزی، تخریب لایه ازن و باران‌های اسیدی و ... سبب شده جوامع انسانی به این مسأله توجه بیشتری کنند. در حال حاضر بیش از ۲۳۰ پیمان بین‌المللی زیست‌محیطی وجود دارد که اکثر آنها طی سی سال گذشته منعقد شده‌اند؛ اما درست اجرا نشدن این پیمان‌ها و سهل‌انگاری مجریان سبب شده این پیمان‌ها تأثیر قابل توجهی نداشته باشند.

یکی از ابعاد مهم توجه به این مسأله نگاه از منظر دینی است. از این نگاه دو دیدگاه متناقض وجود دارد. عده‌ای بحران حاضر را ناشی از فاصله گرفتن از آموزه‌های ادیان، و راه‌حل را در افزایش زمینه‌های تربیت دینی و اخلاقی می‌دانند. عده‌ای دیگر با نگاه سکولار و با اتخاذ موضعی متضاد، مشکل را در آموزه‌های دینی جسته، و آن‌ها را در بحران مؤثر دانسته‌اند.

دلبستگی نداشتن به دنیا، و مسلط شدن بر طبیعت از جانب خداوند از مواردی است که به اعتقاد اینان، سبب ناپایداری توسعه شده است. همچنین تجویز استفاده بدون حد از منابع طبیعی نیز به این مشکل دامن زده است. برخی نیز سکوت مجامع دینی را نسبت به تخریب محیط زیست مورد انتقاد قرار داده‌اند.

در این مقاله، ابتدا این شبهات را مطرح کرده و با نگاه درون دینی و با استفاده از قرآن و روایات، این شبهات را پاسخ داده؛ سپس با نگاه برون دینی و با مطالعه دیدگاه‌های مربوط به محیط زیست مشاهده می‌کنیم که بین کسانی که این مسأله را با نگاه غیردینی مطالعه کرده‌اند دیدگاه‌های گوناگون و گاهی متضاد درباره چگونگی استفاده از محیط زیست وجود دارد که از نگرش فلسفی و اعتقادی آنان به انسان و هستی ناشی می‌شود.

## شبهات بوم‌شناسان سکولار

در مقدمه اشاره کردیم که برخی از دانشمندان اقتصاد محیط زیست، با فرافکنی در صدد پرآمده‌اند که بحران زیست‌محیطی را به آموزه‌های دینی نسبت داده، ادعا می‌کنند: اعتقاد دین‌باوران سبب تهی‌سازی و تخریب منابع زیست‌محیطی شده، انگیزه آنان را برای سالم‌سازی محیط پیرامون تضعیف می‌کند. مهم‌ترین این چالش‌ها به‌نظر اینان عبارتند از:

### ۱. تسخیر

۹۶

اقتصاد اسلام

سال ششم / تابستان ۱۳۸۵

براساس اعتقاد دین‌باوران، خداوند متعالی جهان هستی را در خدمت انسان و کارگزار او آفریده، و آن را فرمانبردار انسان قرار داده است تا بتواند به راحتی از آن استفاده کند. برخی از زیست‌شناسان این اعتقاد را که کمابیش در اعتقاد مسیحیان و مسلمانان وجود دارد، از عوامل تخریب محیط زیست دانسته، معتقدند با سلطه‌ای که انسان از طرف خداوند بر طبیعت یافته می‌تواند هرگونه بخواهد در طبیعت تصرف کند و چنین تصرفی از بین رفتن طبیعت و محیط زیست را به‌دنبال دارد. وایت جونیور (White, Jr) بحران محیط زیست را ریشه در سلطه‌ای می‌داند که کتاب مقدس بر روی زمین به انسان عطا کرده است. غرور این باور انسان‌مدارانه، این اجازه دینی را به انسان‌ها داده که طبیعت را کنترل، و از آن سوء استفاده کنند (همان: ص ۳۰۴).

### ۲. سکوت

برخی از دانشمندان، اعتراض خود را بر مجامع دینی از این زاویه که این مجامع در مقابل این بحران سکوت اختیار کرده‌اند، بیان می‌دارند. متون کلاسیک سنت‌های دینی مطالب مهم کمی درباره تخریب جنگل‌ها، فرسایش خاک، اتلاف منابع آب، آلودگی زمین و آب و هوا و گرم‌شدن زمین و ... دارند. افزون بر این، برخی از معلمان دینی هنوز جمعیت انسانی رو به رشد را نادیده می‌گیرند؛ چیزی که همه تهدیدهای مذکور را به میزان قابل توجهی وخیم‌تر می‌کند.

راسل ترین (Russel Train, 1990) معتقد است:

دین و الاهیات به این مشهورند که به صلاح جهان طبیعت چندان اهمیت نمی دهند. به لحاظ سنتی، کلیساها، کنیسه‌ها و مساجد توجه کمی به مسائل عمده زیست محیطی کرده‌اند. وی که بیش از سی سال است رهبری نهضتی زیست محیطی را به عهده دارد، این را بسیار حیرت‌انگیز می‌داند که دین و الاهیات تا این حد در برابر بحران فعلی بی تفاوت بوده‌اند (همان: ص ۳۰۰).

### ۳. موقت‌انگاری دنیا

هات، استاد الاهیات و رئیس مرکز مطالعات علم و دین دانشگاه جرج تاون امریکا در بیان دیدگاه تعارض دین با محیط زیست، جهت‌گیری دین به سوی جهان فوق طبیعی را علت این می‌داند که برای حیات بر روی این سیاره ارزش بسیار کمی قائل باشد و به رفاه این جهان نیندیشد. ادیانی که به یک نجات بخش الاهی در آینده امیدوارند، حتی به ما اجازه می‌دهند توجه به این جهان کنونی را ترک گوئیم. او با بیان این‌که این نگاه دین، اصل اساسی اخلاق زیست محیطی را کنار می‌گذارد چنین می‌گوید:

یک اصل اساسی اخلاق زیست محیطی آن است که زمین را خانه واقعی خود تلقی کنیم؛ اما دین نمی‌تواند این جهان را به‌عنوان خانه ما بپذیرد ... دین به ما می‌گوید ما صرفاً زائران یا مسافران روی زمین هستیم. چگونه این دیدگاه غیردنیایی می‌تواند ادعا کند که بوم‌شناسی را جدی بگیرید؟ بی‌وطنی جهانی که دین حکایت از آن دارد نمی‌تواند به اندازه کافی انرژی اخلاقی فراهم کند تا به نهضت بوم‌شناسی کمک کند (همان: ص ۳۰۳).

از سوی دیگر، تدین پیامبرگونه بسیاری از متدینین به آنان اجازه داده است که فکر کنند این جهان به‌سمت نابودی پیش می‌رود و بنابراین شایسته نجات‌دادن نیست (همان: ص ۳۰۴).

هات در بخش دیگری از سخنان خود و در بیان موضع تلافی دین و محیط زیست می‌گوید:

حداقل این است که اشتیاق انسان به امر ابدی، او را پیش از موعد از جامعه زمینی که به آن تعلق داریم جدا می‌سازد؛ بنابراین یک چنین جدایی دوگانه انگارانه بر تفکر دینی به‌ویژه در گذشته، غالب بوده و نتیجه آوارگی کیهانی را به‌دنبال دارد ... پس به‌نظر می‌رسد ما با معمایی حل‌ناشدنی مواجهیم. از طرفی آموزه‌های دینی به ما، می‌آموزند بدون

خانه (تعلق به دنیا) زندگی کنیم و از سوی دیگر اخلاق محیط زیست اقتضا دارد که ریشه‌های خود را عمیقاً در طبیعت نفوذ دهیم. آیا می‌توان این دو احساس را با هم جمع کرد؟ (همان: ص ۳۱۱).

همچنین جان پسمور (John Passmore, 1974) فیلسوف و بوم‌شناس استرالیایی همین مطلب را با بیانی دیگر طرح می‌کند:

اگر انسان‌ها خود را ... همان‌گونه که هستند، کلاً تنها، بدون آن‌که هیچ کسی جز هم‌نوعشان آنان را یاری کنند محصولات فرایندهای طبیعی بدانند که نسبت به بقای آن‌ها به‌طور کامل بی‌تفاوتند، در این صورت با مشکلات بوم‌شناختی خود با تمام مقتضیاتش مواجه می‌شوند. آن‌ها نه از طریق تعمیم، بلکه از طریق طرد کامل ایده قدسی به آن درک تلخ نائل می‌شوند (Passmore, 1974: p.184).

#### ۴. احیا و حیازت

یکی از شبهاتی که به‌طور عمده بر آموزه‌های اسلامی درباره استفاده از منابع زیست‌محیطی وارد می‌کنند، مسأله احیا و حیازت است. براساس برخی از روایات وارده از جانب امامان معصوم علیهم‌السلام که طبق آنان فقیهان فتوا نیز داده‌اند، هر کس زمین موات را به بهره‌برداری رساند، معدنی را استخراج کند و ... مالک آن منابع می‌شود و به لحاظ این‌که محدودیتی هم در استفاده او وجود ندارد، تهی‌سازی منبع، و تخریب محیط زیست را به‌دنبال خواهد داشت.

#### دیدگاه‌های مربوط به محیط زیست

حاصل این شبهات این بود که آموزه‌های دینی از عوامل مؤثر در ایجاد بحران محیط زیست بوده است یا دست کم در جهت جلوگیری از آن اقدام مؤثری انجام نداده‌اند. این در حالی است که نگرش‌های متفاوتی درباره چگونگی برخورد با مسائل زیست‌محیطی وجود دارد و طیف‌های گسترده‌ای از طرفداران افراطی محیط زیست و گروه‌های افراطی طرفدار رشد اقتصادی را تشکیل داده‌اند. بدون شک این دیدگاه‌ها متأثر از افکار فلسفی و اعتقادی درباره جهان و رویکردهای اخلاقی درباره آن است. مطالعه این دیدگاه شاهد بر این است که نگاه‌های تخریبی به محیط زیست بر گرفته از اندیشه‌های فلسفی است که با

صرف نظر از آموزه‌های دینی و در فضایی به طور کامل غیردینی ایجاد شده و اتفاقاً ادیان الاهی به‌ویژه در این باره دیدگاهی معتدل داشته که در بخش بعدی مقاله به آن اشاره خواهیم کرد. دو نظام اخلاقی مهم و در عین حال متمایز، در زمینه نگرش به محیط زیست وجود دارد: فلسفه اخلاقی طبیعت‌گرا (اصالت طبیعت) و فلسفه اخلاقی انسان‌گرایی (اصالت انسان).

## ا. فیلسوفان اخلاقی انسان‌گرا

در فلسفه انسان‌گرا، حقوق و تکالیف، فقط به جوهر و شخصیت وجودی انسان‌ها، چه به صورت فردی یا اجتماعی مربوط می‌شود. هر چند ممکن است انسان‌ها به رعایت حقوق سایر موجودات و گونه‌های حیاتی مایل باشند، سایر موجودات غیر از انسان هیچ حقوق یا مسؤولیتی ندارند (پرمن، ۱۳۸۲، ص ۴۵).

انسان‌گرایان خود شامل دو مکتب فایده‌گرا و آزادی‌خواه می‌شوند. به رغم این که هر دو مکتب حق حیات را به طور انحصاری به انسان متعلق می‌دانند، در تفسیر مسائل و نتایج حاصل از آن‌ها اختلاف دارند. طرفداران مکتب اصالت فایده (هیوم و بنتام) نتایج حاصل از افعال انسان را فقط براساس این که تا چه حد در کامیابی جامعه نقش داشته‌اند، قابل ارزیابی می‌دانند.

در مقابل مکتب اصالت فایده، فلسفه اخلاق آزادی خواهان حقوق انسانی را ذاتاً متعلق به تک تک افراد می‌داند و معتقد است مفاهیمی نظیر حقوق اجتماعی و حق جمعی و گروهی بی‌معنا است. بر این اساس، در نگاه مکتب اصالت فایده، گرچه حق حیات منحصر در انسان است، به لحاظ توجه به جامعه، تا جایی که حفظ گونه‌های حیوانی و گیاهی تأمین‌کننده منافع جامعه باشد، در صدد حفظ آن بر می‌آید. در حالی که طبق مکتب آزادی‌خواه منافع فرد اهمیت دارد و به لحاظ این که افراد اغلب به آینده دور خود توجه ندارند، به‌ویژه که محیط زیست نیز آثار خود را در فاصله زمانی که دورتر از یک نسل است نشان می‌دهد، انگیزه‌ای برای حفظ آن وجود ندارد (همان: ص ۵۰).

## ب. فلسفه اخلاقی طبیعت‌گرا

برعکس انسان‌گرایی، در نظام طبیعت‌گرا، امتیاز یا تقدم جوهر و شخصیت وجودی انسان، بر سایر موجودات رد شده است. اخلاق فقط با ملاحظه برخی نظام‌های طبیعی

شامل اجزای حیاتی و غیرحیاتی قابل تعریف است. آلدو لئوپولد در این باره مطلبی می‌گوید که می‌توان آن را موضع بسیاری از طرفداران محیط زیست نیز دانست: فقط چیزی حق است که گرایش به زیبایی، کمال و پایداری حیات اجتماعی داشته باشد. در غیر این صورت، آن چیز باطل و غیرواقعی است (آلدو لئوپولد، ۱۹۴۹م: ص ۲۶۲ به نقل از پرمن: ص ۴۶).

واتسون (۱۹۷۹) یکی از نویسندگان کتاب‌های طبیعت‌گرا، اصل مورد توجه کانت مبنی بر این که احترام به انسان ضرورت دارد را با استفاده از اصل دیگری تحت عنوان واکنش متقابل، به حیوانات رده بالا و باهوش تسری داده است. گودپاستر (۱۹۷۸) با طرح این‌که تعهدهای انسان به سایر حیوانات گسترش یافته، نتیجه گرفت هر موجودی در عالم هستی جدا از زنده‌بودن دارای حقوقی است که باید از طرف دیگران رعایت شود. هانت (۱۹۸۰) این مسأله را به همه موجودات گسترش داد و گفت: تمام موجودات هستی اعم زنده و مرده و با روح و بدون روح دارای حقوق ذاتی هستند (همان: ص ۴۶ - ۴۹). طرفداران محیط زیست که از فلسفه اخلاقی طبیعت‌گرا پیروی می‌کنند، دارای طیف‌های متفاوتی هستند که گروه افراطی آنان هرگونه تصرف در محیط زیست را منع می‌کنند.

### جایگاه طبیعت و محیط زیست در نظر ادیان و مذاهب

در این قسمت مسأله را از نگاه دینی بررسی می‌کنیم و به دنبال اثبات این مطلب هستیم که نگاه آموزه‌های دینی به‌طور عام و دین اسلام به‌طور خاص به طبیعت به‌گونه‌ای است که نه تنها تخریب محیط زیست را تجویز نکرده، بلکه با تربیت انسان در صدد رشد و بهترشدن آن برآمده است.

از آن‌جا که طبیعت و دنیای خاکی، زادگاه و محل نشو و نماي انسان است، همواره مورد احترام ادیان قرار گرفته و احترام به آن به انسان نیز سفارش شده است. حتی در مواردی تأکید ادیان آسمانی بر این مسأله، باعث افراط از سوی انسان‌ها شده و تکریم طبیعت به تقدیس مظاهری از آن انجامیده است و در مواردی نیز در جایگاه آفریدگار مورد پرستش قرار گرفته است به‌طوری که در ادیان باستان و میان اکثر ملل باستانی، باران، آب،



رعد و برق، دریا و طوفان جایگاه ویژه‌ای داشته و در آفرینش جهان دارای نقش و تأثیر بودند. از طرفی یادکردن طبیعت به زیبایی از جانب شریعت، باعث آن نشده است. در مواردی هم، از دل‌بستگی شدید به این کره خاکی نهی صورت گیرد و هدف نهایی انسان، جای دیگر معرفی شود. زهد افراطی در برخی ادیان و عدم توجه به بعد مادی انسان در برخی ادیان شرقی نیز سبب نشده است که نسبت به اصل طبیعت و مظاهر آن بی‌توجهی صورت گیرد؛ به‌طوری که در این ادیان به‌ویژه در مائوئیسم و همچنین در آیین کنفوسیوس، نوعی سرسپردگی به طبیعت و ادراک اهمیت متافیزیکی آن مشاهده می‌شود. در آیین بودا هر فرد باید هر چند سال یک‌بار درختی را در زمین بکارد و تا زمانی که آن درخت مطمئناً بر پای ایستد و قوام گیرد، از آن نگهداری کند (شوماخر، ۱۳۷۲ش: ص ۴۶).

در اعتقاد مصریان باستان، نیز آغاز و انتهای عالم را آب تشکیل می‌دهد؛ یعنی خلقت جهان از آب بوده و در پایان نیز سراسر گیتی را آب در برمی‌گیرد. در اعتقاد اینان، خدای اصلی و پر قدرتی چون «آتوم» از آب سر در می‌آورد.

در اعتقاد سومریان «آنکی» خدای آب، نخستین خدایی است که به آفرینش دست می‌زند. در این ادیان، آب، باران و عناصر همگون فقط مظهر عادی طبیعی نیستند؛ بلکه اصل و ریشه همه چیزند (تازه‌کام و شیخی، بی‌تا: ص ۵۴).

در ادیان عبری نیز بر اهمیت مظاهر طبیعی به‌ویژه آب تأکید رفته است. از جمله در سفر آفرینش تورات آمده است:

در ابتدا خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید. زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه، و روح خدا سطح آب‌ها را فرو گرفت ... خدا گفت: فلکی باشد در میان آب‌ها و آب‌ها را از آب‌ها جدا کند. خدا فلک را ساخت و آب‌های زیر فلک را از آب‌های بالای فلک جدا کرد و چنین شد (کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۱۰، ش ۱).

در فصل دیگری از کتاب مقدس از تسبیح‌کردن و عبادت آسمان‌ها، آب، آتش، تگرگ، برف، مه، باد تند و نهنگان و جمیع لجه‌ها یاد کرده است (همان: سفر مزامیر، باب ۱۰۴، ش ۳-۲۵).

اکنون نیز اعتقادات مذهبی نقش مهمی در روند اجرایی مدیریت زیست محیطی بازی می‌کنند؛ به‌طور مثال در پارهای از کشورها بعضی از پارک‌های ملی که اغلب باقی‌مانده از

جنگل‌های پیشین هستند، مقدس شمرده می‌شوند یا در مواردی، اکولوژیست‌های غیرمسیحی، برای ایجاد دگرگونی در شعور انسان از طبیعت الهام می‌گیرند به این صورت که آن‌ها را به رعایت حرمت طبیعت تشویق می‌کنند.

## جایگاه و اهمیت محیط زیست در اسلام

دین اسلام که همواره در آموزه‌های نورانی خویش مطابق با فطرت آدمیان راه وسط را در پیش گرفته، در برخورد با طبیعت و مواهب طبیعی نیز نه آنچنان دست انسان را باز گذاشته است تا هر نوع تصرفی بخواهد در آن‌ها بکند و به بهای نابودی این نعمت‌های خدادادی، زندگی خود را اداره کند و تجمل بخشد و نه اجازه می‌دهد بشر طبیعت را به علت عظمت آن، خدای خویش دانسته و در مقابل آن به سجده بیفتد و هیچ‌گونه تصرفی در آن نکند و صرفاً به دیده تقدیس به آن بنگرد؛ بلکه در عین این‌که فرموده است ما همه جهان را برای آسایش انسان و مسخر و فرمانبردار او آفریده‌ایم، از طرف دیگر آن‌ها را موجوداتی فاقد روح ندانسته؛ بلکه آیه و کلمه خداوند و موجوداتی دارای شعور نسی که تسبیح‌گوی خداوند هستند، معرفی کرده و برای همه آن‌ها اعم از حیوان و گیاه حقوقی در نظر گرفته، انسان‌ها را به رعایت آن حدود و حقوق دعوت می‌کند و به منظور نشان‌دادن عظمتشان به آنان سوگند خورده است. در نگاه قرآن، جهان مظهر زیبایی و مورد ستایش خداوند است. تمام اجزای هستی هماهنگ و بدون نقص است و در هیچ‌یک از گونه‌های گیاهی و حیوانی در چرخه محیط زیست بیهوده آفریده نشده است.

سخن قرآن در جایگاه کتاب مقدس، متوجه کل جهان اعم از انسان، جانوران و گیاهان است. قرآن مرزبندی قاطعی میان امر طبیعی و فوق طبیعی یا میان عالم انسانی و عالم طبیعی ترسیم نمی‌کند.

انسانی که پروده قرآن است، از لحاظ اعتقادی و اخلاقی به گونه‌ای تربیت می‌شود که عالم طبیعی را دشمنی طبیعی نمی‌شمارد که باید بر آن چیرگی یافت؛ بلکه به صورت جزء مکمل جهان دینی انسان به آن می‌نگرد که در حیات زمینی‌اش و به یک معنا حتی در سرنوشت نهایی او هم شریک است.

در جهان‌بینی او، انسان نماینده خدا در روی زمین بوده و زمین و سایر مواهب طبیعی، امانتی در دست او است که در مسیر هدایتش از آن‌ها استفاده کند و به‌طور مسلم، تخریب محیط یا تضییع حقوق دیگران با هدایت او سازگاری ندارد. به‌رغم این‌که هدف نهایی او ساختن آخرت است، این مهم از طریق دنیای آبادان صورت می‌گیرد. همچنین هرگونه ظلم به موجودات خداوند اعم از انسان‌ها یا جانوران و گیاهان ناسپاسی خداوند شمرده می‌شود که انسان معتقد به مبدأ و معاد از آن‌ها گریزان است.

این آموزه‌های اعتقادی با مسائل ارزشی و اخلاقی قرین شده و با اصول فقهی ضمانت اجرا یافته است.\*

... در نتیجه این نگرش به طبیعت که حدود و ثغور آن در قرآن تعیین شده و در حدیث و سنت پیامبر مورد تأکید قرار گرفته است، مسلمانان همیشه به طبیعت عشق می‌ورزیده‌اند؛ طبیعتی که بازتابی از واقعیات بهشتی در این عالم پایین است. سعدی شاعر ایرانی این بیت مشهور را سروده است:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست  
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

(نصر، ۱۳۷۹: ص ۲۱۶)

دست‌پروده چنین مکتبی هیچ‌گاه درصدد تخریب آنچه به آن عشق می‌ورزد، نخواهد بود. انسان در سایه ایمان خود، تکبر، حرص و طمع خود و بی‌عدالتی را درمان می‌کند؛ چیزی که سبب می‌شود فقیران جنگل‌ها را قطع کرده و زمین‌های خود را آلوده تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند. او نسبت به زیبایی‌های خلقت دائم شکرگزار بوده و فراتر از هر چیز شفقت و مهربانی را نه فقط برای هموعان خود، بلکه برای حیوانات و سایر موجودات زنده در خود تقویت می‌کند.

توجه به مبانی اعتقادی، فقهی و اخلاقی مکتب اسلام کنار توجه به نوع خاص نگاه آن به مظاهر طبیعی پاسخ به چالش‌های مطرح شده در ابتدای مقاله را سهل می‌سازد.\*\*

\* برای اطلاع از آموزه‌های اعتقادی، فقهی و اخلاقی ر.ک: فراهانی‌فرد، ۱۳۸۴: ص ۱۱۷ - ۱۲۶.

\*\* برای اطلاع از مبانی اعتقادی، فقهی و اخلاقی حفظ محیط‌زیست در اسلام. ر.ک: به مقاله درآمدی بر توسعه پایدار در عصر ظهور که نگارنده در شماره ۲۰ فصلنامه آورده است.

## راهکارهای حفظ محیط زیست در اسلام

جهت گیری اسلام در آفرینش انسان این است که خداگونه شود و همه زمینه های لازم اعم از عقل و فطرت در جایگاه رسول باطنی کنار پیامبران به همراه کتاب راهنمای زندگی را در اختیار او گذاشته و از جمله به او سفارش کرده امانتی را که به صورت ابزاری در جهت تکامل او در اختیارش نهاده شده به خوبی حفظ کند.

هرگاه آدمیان به این آموزه ها گوش جان سپرده، عمل کنند و راه و رسم بندگی و خلیفه الهی را بپمایند و با امانتی که خداوند در اختیارشان قرار داده، براساس رهنمودهای ارائه شده از جانب دین عمل کنند، مشکلات فراوان زیست محیطی که اکنون با آن مواجه هستیم رخت بر می بندد؛ برای مثال، هرگاه انسان ها حقوق یکدیگر را رعایت کنند، در بهره برداری از مواهب طبیعت راه اعتدال را پیش گرفته، دست از زیاده طلبی، حرص و آز، اسراف و اتلاف بردارند، در این صورت همین دنیای خود را بهشت می یابند؛ با وجود این، افزون بر این که جهت گیری ادیان الهی رسیدن انسان به نقطه اوج کمال و انسانیت است، برای پرهیز از غیر واقع گرایی، راهکارهایی در متن دین دیده شده تا جوامع در هر سطحی از ایمان به خداوند و عامل به فرمان ها و رهنمودهای دینی باشند بتوانند محیطی به نسبت سالم داشته، از تجاوز انسان های متخلف جلوگیری کنند.

آموزه های الهی در این زمینه، به طور معمول دارای دو چهره اند: برخی از آن ها به منظور حفظ حداقل های لازم، به صورت تکالیف الزامی تشریح شده و حتی سازوکارهایی نیز برای ضمانت اجرای آن ها پیش بینی شده است. دسته دیگر با عنوان رهنمودهای اخلاقی و به منظور حرکت به سوی جامعه مطلوب خداوند طراحی شده اند. از جهت دیگر نیز بعضی از آموزه ها با نگاه فردی و تعیین وظیفه فرد بوده و بعضی نیز با نگاه کلان و از دید اجتماعی بیان شده است.

### ۱. آموزه های فردی

#### أ. تکالیف الزامی

برخی از تکالیف الزامی که از آیات و روایات و نیز قواعد فقهی استفاده می شود

عبارتند از:

## یک. پرهیز از ظلم

بر اساس قاعده عدالت، باید در رفتارهای خود درباره محیط زیست از هرگونه ستم و تعدی به انسان‌های دیگر (اعم از نسل موجود یا نسل‌های آینده) پرهیزیم و شکی نیست که هر فعالیتی که به نحوی آلودگی محیط زیست را به دنبال داشته باشد، از مصادیق بارز ظلم به شمار می‌رود.

## دو. پرهیز از ضرر رسانی و اتلاف منابع عمومی

برخی از افراد و بنگاه‌های اقتصادی برای بیشینه‌کردن سود خود، ممکن است به تخریب محیط زیست اقدام کنند. آلوده‌ساختن هوا، آب دریاها و رودخانه‌ها، فعالیت‌های تأثیرگذار بر لایه ازن از مصادیق تخریب طبیعت هستند و در پی آن پیامدهای دیگری چون کوتاه‌شدن عمر انسان، شیوع بیماری‌ها به‌ویژه بیماری‌های پوستی، از بین‌رفتن برخی از گونه‌های گیاهی و حیوانی را به دنبال خواهد داشت، و طبق قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و تسبیب، مسبب این پیامدها گناهکار بوده، از نظر حکم وضعی نیز ضامن است.

## سه. پرهیز از اسراف

گرچه مصادیق بارز اسراف، کمی بوده و بیشتر استفاده بیش از حد منابع طبیعی را شامل می‌شود، تخریب محیط زیست، آلوده‌کردن آب‌ها و هوا و سایر مصادیق آلودگی، به سبب این‌که بهره‌مندی انسان از این منابع را کاهش داده، حکم اسراف را داشته و حرام است.

## چهار. نهی از فساد روی زمین

خداوند متعالی ضمن تأکید بر این‌که نظام هستی بر اساس صلاح آفریده شده، در موارد متعددی از ایجاد فساد در این نظام نهی می‌فرماید:

لَا تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا (اعراف (۷)، ۵۶).

همچنین مصادیق بارز مفسدان روی زمین را کسانی می‌داند که آن را تخریب می‌کنند، و کشت و نسل را نابود می‌کنند:

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ نَأْيِبُهُ الْفَسَادَ (بقره (۲)، ۲۰۵).  
و چون برگردد [یا ریاستی یابد] می‌کوشد که در زمین فساد و کشت و نسل را نابود کند، و خداوند تباهاکاری را دوست ندارد.

تمام کسانی که به شکل‌های گوناگون امکان استفاده از زمین را از بین برده یا با آلوده کردن هوا، اسراف در مصرف منابع و ... زمینه نابودی نسل‌های آینده را فراهم می‌کنند، مشمول این آیه خواهند شد.

در آیه دیگر، خداوند متعالی کسانی را که به تخریب مظاهر زیبایی خداوند دست زده، نظام باشکوه آفرینش را به آلودگی تباه می‌کنند، مورد نکوهش قرار می‌دهد و نارسایی‌ها و مشکلات روی زمین را ناشی از اعمال انسان‌های فاسد قلمداد می‌کند:

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعْنَهُمْ  
يُرْجَعُونَ (روم (۳۰)، ۴۱).

لحن شدیدی که در این آیات درباره افراد مفسد و تخریب‌گر وارد شده، از شدت توجهی حکایت دارد که خداوند به حفظ محیط زیست به صورت ظرف رشد و تکامل انسان دارد. هدف اصلی از خلقت جهان هستی، انسان بوده است و این‌که او در راه تعالی خود هیچ‌گونه نقصانی نداشته باشد.

### ب. رهنمودهای تشویقی (اخلاقی)

همان‌طور که در مقدمه این بحث نیز اشاره شد، اصل اولیه اسلام بر این قرار گرفته که با تربیت انسان، خود او را به نگهداری از محل زندگی خود وادارد و اتفاقاً چنین روش‌هایی در عمل بهتر جواب داده است؛ به همین جهت، آیات و روایات فراوانی با این نگرش وجود دارد که به بعضی از آن‌ها از باب نمونه اشاره می‌کنیم.

یک. خداوند انسان را در جایگاه نماینده و جانشین (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) و امانتدار خود معرفی کرده (بقره (۲)، ۳۰) و اسباب خلافت را با تعلیم اسمای حسنی خود برایش فراهم آورده (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) (بقره (۲)، ۳۱) و ضمن آن از او خواسته تا به آبادی امانتی که در به او سپرده شده یعنی زمین و مظاهر آن بپردازد و آن را از هرگونه گزند و تباهی بازدارد (هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا) (هود (۱۱۹)، ۶۱).

دو. روایات فراوانی درباره تأکید دین بر نظافت (اعم از نظافت شخصی، منزل و محیط) وارد شده و حتی از اصول و نشانه‌های ایمان دانسته شده است. افزون بر این، خداوند عبادات خود را نیز با نظافت قرین ساخته است. وضو و غسل که مسلمانان به آن رهنمود

شده‌اند، به نظافت تعلیل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۳، ص ۳۶۴؛ ج ۷۸، ص ۲). همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده:

لانظیف السكنی إلا بثلاث الهواء الطیب و الماء الغزیر العذب و الأرض الخواره (همان: ج ۷۵، ص ۲۳۴).

زندگی بدون داشتن سه چیز بر انسان گوارا نیست: هوای تمیز، آب فراوان و گوارا و زمین حاصلخیز.

روشن است که موارد پیشین از مصادیق بارز محیط زیست سالم و در نتیجه داشتن زندگی با نشاط است.

سه. در روایات فراوانی به حفظ راه‌ها، آب‌ها و سایر اماکن عمومی توجه داده، و از هرگونه آسیب‌رساندن به این ثروت‌ها نهی شده و از کسانی که در این راه می‌کوشند، تمجید شده است؛ چنان‌که براساس روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر کس از راه مسلمانان، چیزی را که باعث رنجش رهگذران است برطرف کند، خداوند اجر خواندن ۴۰۰ آیه از قرآن را برای او ثبت می‌کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ أَمَاطَ عَنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ مَا يُؤْذِيهِمْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ قِرَاءَةِ أَرْبَعِمِائَةِ آيَةٍ كُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا بِعَشْرِ حَسَنَاتٍ (نوری، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، باب ۱۹ از ابواب فعل المعروف، ح ۳ ص ۳۸۵)؛  
به همین جهت امام سجاده علیه السلام هرگاه کلوخی را در راه می‌دیدند، از مرکب پیاده شده، آن از سر راه برمی‌داشت.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَقَدْ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَمُرُّ عَلَى الْمَدْرَةِ فِي وَسَطِ الطَّرِيقِ فَيَنْزِلُ عَنْ دَابَّتِهِ حَتَّى يُنَحِّيَهَا بِيَدِهِ عَنِ الطَّرِيقِ (همان: ح ۴).

از آن طرف کسانی که مسیر مردم را آلوده کرده یا مانعی در آن ایجاد می‌کنند، سرزنش شده‌اند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده:

ثَلَاثٌ مَلْعُونٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ: الْمَتَّعُوطُ فِي ظِلِّ الثَّرَاوَالِ وَ الْمَانِعُ الْمَاءَ الْمُشْتَابَ وَ سَادُّ الطَّرِيقِ الْمَسْئُوكِ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۳۲۵).

سه گروهند که در اثر کار خود مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرند: ا. کسانی که اماکن عمومی، سایه‌بان‌ها و محل پیاده‌شدن مسافران را آلوده کنند؛ ب. کسانی که آب عمومی (آب نوبتی) را غصب کنند؛ ج. کسانی که سد معبر کرده، مانع عبور عابران شوند.

در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام از قول پدرانش از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:  
 قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَنْغَوِّطَ عَلَى شَفِيرِ بَيْتِ مَاءٍ يُسْتَعَذَّبُ مِنْهَا أَوْ نَهْرٍ يُسْتَعَذَّبُ أَوْ تَحْتَ شَجَرَةٍ فِيهَا ثَمَرُهَا (همان).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قضای حاجت در کنار چاه آب آشامیدنی، نهر آب یا زیر درخت میوه نهی کردند.

همه این‌ها بر اهتمام دین بر پاکیزگی محیط زندگی و حفظ آن از هرگونه آلودگی دلالت دارد؛ حتی در مواردی، کارهایی از این قبیل ضمان‌آور دانسته شده است؛ از جمله امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

من اخرج ميزاباً او كنيفاً او اوتد وتداً او اوتق دابة او حفر شيئاً في طريق المسلمين فاصاب فعطب فهو له ضامن (همان: ج ۲۹، ص ۲۴۵).

هر کس ناودان یا گودال یا چاهی در راه مسلمانان ایجاد کند یا میخی در جایی بکوبد یا حیوانی را در جایی ببندد و کسی در اثر برخورد با آن صدمه ببیند، ضامن آن است. چهار. در روایات بسیاری مسلمانان تشویق به درختکاری، زراعت و سایر فعالیت‌هایی که به نحوی در طراوت و سرسبزی محیط مؤثرند، شده‌اند؛ از جمله در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْساً أَوْ يَزْرَعُ زَرْعاً فَبَاكُلَ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَيْهَمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ (نوری، ۱۴۰۹ق: ج ۱۳، ص ۴۶۰، ح ۳).

مسلمانی که نهالی بکارد یا زراعتی به‌عمل آرد و از آن انسان، پرنده، یا حیوانی استفاده کند، در نامه اعمال او ثواب صدقه نوشته می‌شود و نیز فرموده است: کسی که درخت میوه‌ای بکارد، خداوند به اندازه ثمر آن به او اجر می‌دهد.

مَنْ غَرَسَ غَرْساً فَأَنْتَمَرَّ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الثَّمَرَةِ (همان: ح ۴).

امام صادق علیه السلام زراعت و کشاورزی را از محبوب‌ترین اعمال دانسته و فرموده است که تمام پیامبران غیر از ادریس که شغل خیاطی داشت، کشاورز بودند.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الزَّرْعَةِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَرَعَهَا إِلَّا إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ كَانَ خِيَّاطاً (همان: ص ۴۶۱، ح ۳).



پنج. احترام به محیط زیست و انواع گونه‌های جانوری و گیاهی در مناسک حج و در حرم امن الاهی: به مسلمانان یادآوری می‌شود که شکار صید و قطع درختان و گیاهان در حالت احرام از محرّمات است و در صورتی که حاجی مرتکب آن شود، باید کفاره بپردازد و نکته قابل توجه این است که کفاره تمام محرّمات احرام مبتنی بر تعدد و قصد است؛ در حالی که برای صید حتی در صورت عدم توجه نیز باید کفاره بدهد.

شش. نهادینه‌ساختن فرهنگ آینده‌نگری و خروج از پيله خودنگری، در روایات و نیز آموزه‌های فقهی فراوان به چشم می‌خورد. روایاتی که انسان‌ها را به آبادی زمین تشویق می‌کند؛ تشویق به ارث باقی گذاشتن و به فکر آینده فرزندان بودن؛ تشویق به وقف و صدقات جاریه از این قبیل هستند. به‌طور طبیعی، چنین فرهنگی، تدبیر برای آینده محیط زیست را نیز به همراه دارد.

در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ تشویق به آینده‌نگری به خوبی ترسیم شده است حضرت فرموده است:

إِن قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمُ الْفَسِيلَةُ فَإِنِ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا  
(همان: ح ۵).

هرگاه نهال خرما جهت کاشتن در دستتان بود و قیامت برپا شد، اگر قادر بر کاشت آن تا وقوع قیامت بودید، آن را بکارید. مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## ۲. آموزه‌های اجتماعی

دین اسلام، مکتبی اجتماعی است و بخش قابل توجهی از آموزه‌های آن نیز با نگاه کلان و قرار داشتن فرد در اجتماع تشریح شده است. مهم‌ترین فلسفه دولت اسلامی و این که پیامبر اسلام ﷺ خود در نخستین فرصت به تشکیل دولت اقدام کرد، احکام اجتماعی اسلام است. درباره مسأله محیط زیست نیز خداوند متعالی به احکام فردی بسنده نکرده و برای این که این تحقق هدف، تضمین بیشتری داشته باشد، در قالب احکام اجتماعی نیز راهکارهایی را ارائه کرده است.

### یک. نهاد امر به معروف و نهی از منکر

آنچه از مذاق شارع استنباط می‌شود، این است که بسیاری از اهداف اجتماعی، در مرحله اول از طریق خود مردم صورت گیرد و ضمانت اجرای آن‌ها نیز خودشان باشد.

تأسیس نهاد امر به معروف و نهی از منکر یا نهاد حسبه و قرارداد آن کنار نماز و روزه و ... و در جایگاه یکی از فروع دین، شاهد بر اهتمام مکتب بر این فرایند است. در قرآن آیات بسیاری درباره این نهاد وجود دارد و روایات نیز درباره آن فراوان سخن گفته‌اند. در زمینه مسأله مورد بحث، به لحاظ این که عموم مردم خود را در آن سهیم می‌دانند، انگیزه فراوان برای انجام این فریضه وجود دارد و نوعی نظارت عمومی بر چگونگی استفاده از منابع و حفظ محیط را فراهم می‌کند.

### دو. پیش‌بینی دولت مقتدر

دولت در نظام اسلامی، دارای جایگاه منیعی است؛ اختیارات فراوانی دارد و در مقابل، وظایف سنگینی نیز بر دوش او است. مهم‌ترین اختیار دولت در مسأله مورد بحث، این است که بسیاری از منابع طبیعی در مالکیت یا تحت نظارت او قرار دارد. این بدان معنا نیست که خود او تصدی بهره‌برداری از منابع را در اختیار گیرد.

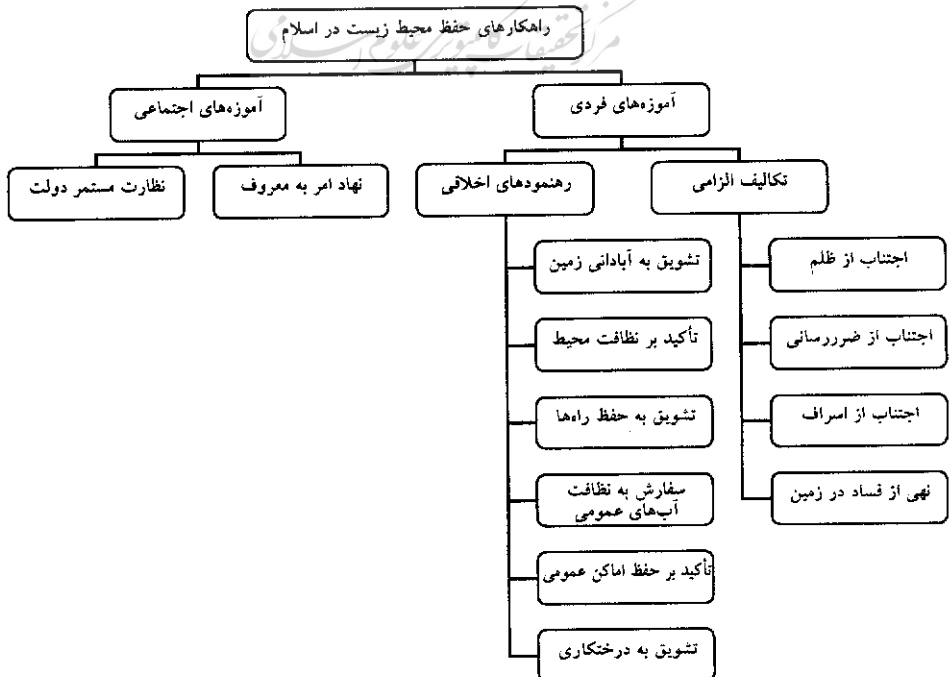
دولت بر اساس اصل رفاه عمومی و به لحاظ این که داشتن محیطی پاکیزه از ضرورترین امور در رفاه است، وظیفه دارد زمینه انجام این مهم را فراهم آورد؛ بنابراین، یکی از اصول محوری در تمام فعالیت‌هایش پرهیز از آلوده‌سازی محیط در حد امکان است و کنار آن نیز مکان‌هایی را مانند گردشگاه‌ها، جنگل‌ها و پارک‌ها به منظور تفریح و آسایش مردم اختصاص داده و آن‌ها را از هر نوع آلودگی حفظ کند. همچنین در واگذاری منابع طبیعی جهت فعالیت بخش خصوصی همواره اصل حفاظت از محیط مطمح نظر بوده و با نظارت‌های مستمر و تنظیم ابزارهای اجرایی مؤثر در انجام آن بکوشد. همچنین در جایگاه مدافع از حقوق همه مردم و جلوگیری از ضرر رساندن به آن‌ها، سایر فعالیت‌های بخش خصوصی را همواره مورد نظارت دقیق قرار دهد.

به جهت این که توجه به محیط زیست در فرهنگ دینی نیز پشتوانه غنی دارد، یکی از مؤثرترین روش‌ها، فرهنگ‌سازی در این زمینه و محسوس کردن تهدیدهای جدی ناشی از تخریب منابع برای مردم است؛ به گونه‌ای که خود مردم در این جهت پیشگام شوند و حفاظت از محیط زیست به صورت فرهنگ عمومی درآید. در این صورت، مردم افزون بر این که رفتار خود را طبق این فرهنگ شکل می‌دهند، به رفتار دیگران نیز بی‌توجه نخواهند

بود. در این زمینه همچنین تقویت فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و استفاده از پتانسیل قوی آن ضرورت دارد.

جهت دادن درست به الگوی مصرف و پرهیز جدی از اسراف‌ها و ریخت و پاش‌ها در سطح خرد و کلان، یکی از محورهای جدی در مدیریت صحیح منابع زیست‌محیطی و پرهیز از آلوده‌سازی محیط است؛ زیرا بیشترین تهدیدی که وجود دارد، از ناحیه سرطان مصرف‌گرایی است که به سرعت سلول‌های پیکر طبیعت را از بین می‌برد.

رفتار دولت و دولتمردان کنار سیاست‌گذاری‌های درست و جلب اعتماد مردم نیز یکی دیگر از محورهای مورد تأکید است؛ زیرا تا وقتی مردم بین رفتار دولتمردان و سیاست‌های آنان هماهنگی نبینند، اعتمادشان جلب نمی‌شود و بهترین راهکارها هم مؤثر نخواهد افتد. در این جهت دولت باید بکوشد فن‌آوری تمیز را در واحدهای تحت پوشش خود گسترش داده، از ابزارهای اقتصادی نیز به‌ویژه مالیات و یارانه در جهت تشویق بخش خصوصی به این کار استفاده کند. شفاف‌بودن موارد مصرف مالیات‌ها و جریمه‌هایی که به این منظور جمع‌آوری می‌شود، در جلب اعتماد مردم و همدلی آنان مؤثر است.



## نتیجه‌گیری (پاسخ شبهات)

بررسی شبهات طرح شده و نیز مطالعه دیدگاه‌های گوناگون درباره محیط زیست اعم دیدگاه مکاتب و ادیان یا نظریات فلسفی غیردینی، و نگاهی تاریخی و تحلیلی به علل پیدایی بحران، ما را به این نتیجه می‌رساند که بحران ایجاد شده به‌طور عمده از فاصله‌گرفتن انسان از باورهای دینی ناشی می‌شود و راه‌حل بحران زیست‌محیطی فقط از درمان بیماری معنوی انسان جدید و بازیابی عالم معنا به دست می‌آید. با تقویت ایمان افراد جامعه، انگیزه‌های نوع‌دوستانه و نیز احترام به گونه‌های گیاهی و حیوانی بین آنان زیاد می‌شود و قوانین و مقررات مربوط به زیست محیط با داشتن پشتوانه مذهبی، ضمانت اجرایی می‌یابد.

در این قسمت با توجه به مبانی و نیز نگاه مکاتب به محیط زیست به پاسخ تفصیلی شبهات می‌پردازیم.

### ۱. تسخیر

حاصل اشکال این بود که خداوند بشر را بر طبیعت مسخر ساخته تا هرگونه تصرفی را در زمین انجام دهد و این به تخریب محیط می‌انجامد. در حالی که در نگاه اسلام، انسان جانشین خداوند در روی زمین بوده و صفت جانشینی او با صفت بندگی تکمیل شده است، او در جایگاه خلیفه‌الله هماهنگی جهان، و در مقام عبدالله امانتی را که از جانب او پذیرفته است، حفظ می‌کند؛ بنابراین، هرگاه تسخیر با جایگاه جانشینی انسان برای خداوند جمع شود، به تخریب محیط زیست منتهی نخواهد شد؛ اما انسانی که بندگی خدا را نمی‌پذیرد و مطیع قوانین او نیست، طبیعت را دشمن خویش می‌پندارد و برای رفاه بیشتر به تحریک آن می‌پردازد.

هات (Haught) در بخشی از سخنانش که با نگاه تمایز، مسأله دین و محیط زیست را مطالعه می‌کند، در جواب این ایراد می‌نویسد:

منظور از سلطه، غلبه نیست؛ بلکه منظور نقش انسانی ما به‌عنوان نمایندگان خداوند در برابر طبیعت غیرانسانی است. این بدان معنا است که از آن‌جا که خدا نگهدارنده حیات است، کتاب مقدس به‌طور ضمنی دستور می‌دهد از خدا در این مورد تقلید کنیم (همان: ص ۳۰۵).

دکتر نصر نیز در مقام پاسخ از این اشکال می‌نویسد:

زمانی که قرآن می‌فرماید طبیعت را مسخر انسان کرده است (حج (۲۲)، ۶۵) این به معنای چیرگی معمولی بر طبیعت نیست - چنان‌که بسیاری از مسلمانان متجدد تشنه آن قدرت که علم جدید به انسان بخشیده ادعا می‌کنند - بلکه به معنای غلبه بر چیزهایی است که انسان مجاز است تنها به شرط آن‌که مطابق قوانین الهی باشد، اعمال کند و دقیقاً از آن جهت که خلیفه خداوند بر زمین است و بنابراین اقتداری دارد که نهایتاً به خداوند متعلق است؛ به همین سبب است که هیچ چیزی برای محیط زیست طبیعی خطرناک‌تر از اعمال قدرت مقام خلیفگی جامعه بشریتی نیست که دیگر بندگی خدا را نمی‌پذیرد و مطیع قوانین او نیست (نصر، ۱۳۷۹: ص ۲۲۲ و ۲۲۳).

وی در ادامه تخریب را از سلطه‌ای ناشی می‌داند که نگرش سکولار بعد از رنسانس به‌صورت انسان‌محوری برای انسان ایجاد کرده است.

در مقابل تمدن غربی از زمان ظهور انسان‌باوری رنسانسی، انسان زمینی را مطلق کرده است. انسان‌باوری غربی در حالی که انسان را از کانونش محروم ساخته، درصدد بوده به این انسان بی‌کانون کیفیت مطلقیت ببخشد.

این انسان صرفاً زمینی، طبق تعریف عقل‌باوری و انسان‌باوری است که علم قرن هفدهم مبتنی بر سلطه و استیلای بر طبیعت را پدید آورد؛ انسانی که طبیعت را دشمن خویش می‌پندارد؛ همین انسان خاکی که اینک مطلق گشته، به نام رفاه اقتصادی جنگل‌های وسیعی را تخریب می‌کند بی‌آن‌که لحظه‌ای به عواقب آن برای نسل‌های آتی بشر یا دیگر مخلوقات این جهان بیندیشند.

اسلام هرگز اجازه نداده است انسان با تحقیر خدا یا عالم خلقتش، خود را تکریم کند. برای مسلمان هیچ چیز نفرت‌انگیزتر از هنر تایتانی رنسانس نیست که برای تکریم انسانی که در مقابل خداوند گردنکشی می‌کند، خلق شده است (همان: ص ۲۲۵ و ۲۲۶)؛

بنابراین، همه این شواهد بر این دلالت دارد که تخریب محیط زیست نه‌تنها ناشی از تسخیری نیست که خداوند برای انسان بر طبیعت ایجاد کرده، بلکه به‌سبب فاصله‌گرفتن از ارزش‌های دینی و سفارش‌های انبیا به پیروان خود در این باره است. بحث خود را در این قسمت، با گفته شوماخر پایان می‌دهیم:

انسان نوین خویشتن را همچون بخشی از طبیعت تجربه نمی‌کند؛ بلکه خود را به‌عنوان یک نیروی خارجی تلقی می‌کند که رسالت چیره‌شدن بر طبیعت را عهده‌دار است. وی حتی درباره پیکار با طبیعت سخن می‌گوید؛ در حالی که فراموش می‌کند در صورت پیروزی در این پیکار، خود را در جناح بازنده خواهد یافت.

انسان در این تفکر، سنت‌های مذهبی و ارزش‌های دینی خود را فراموش کرده و اصولاً رسیدن به این هدف رویایی را مدیون همین فراموشی می‌داند؛ به همین جهت کینز می‌گوید: هنوز زمان آن نرسیده که به پاره‌ای اصول بسیار متیقن مذهب و فضایل اخلاقی (از قبیل آزمندی رذیلت است، رباخواری معصیت است و حب مال نفرت‌انگیز است) بازگردیم (شوماخر، ۱۳۷۲: ص ۲۳).

## ۲. سکوت

عده‌ای نیز مدعی بودند ادیان آن‌طور که شایسته است در برابر بحران محیط زیست موضع نگرفته و پیروان خود را در دفاع از آن تجهیز نکرده‌اند.

به‌طور معمول داوری درباره تأثیر آموزه‌های دینی در موضوعاتی از قبیل محیط زیست در اثر مطالعه و مشاهده کنش‌های مسیحی است. گرچه سنت مسیحی به‌صورت یکی از ادیان ابراهیمی بر اهمیت و ارزش معنوی طبیعت صحنه گذاشته، گرفتار شدن مسیحیت در دامان سکولار و منصرف‌شدن از امور دنیایی و در حاشیه گذاشتن آن‌که نتیجه ستیزه مسیحیت با انسان‌باوری، عقل‌باوری و دنیاگرایی در طول پنج قرن قبل از رنسانس بوده، سبب شده عرصه را برای تفکر سکولار تهی کند؛ اما این‌که از دین اسلام ندایی به گوش غرب نرسیده، بدین جهت است که غرب مطالعات خود را درباره اسلام به دو گروه اصلاح طلبان بنیادگرا (وهابیت و سلفی‌ها) و تجددگرایان (سیداحمد خان در هند، عبده در مصر و تقی‌زاده در ایران) اختصاص داد. دو گروه رقیبی که طی چند دهه اخیر بر سر بسیاری از مسائل اختلاف داشته؛ اما در همین اخیر در سر پذیرش کورکورانه فن‌آوری جدید و بی‌توجهی کامل به آرای اسلامی سنتی درباره علم همدستان بوده‌اند (نصر، همان: ۲۲۷ - ۲۳۰).

مطالعه دیدگاه ادیان به‌طور عام و نظر اسلام به‌طور خاص درباره طبیعت و محیط زیست که در بخش‌های پیشین به تفصیل انجام شد، شاهد روشنی بر رد این ادعا است.

### ۳. موقت‌انگاری دنیا

عده‌ای نیز بحران محیط زیست را ناشی از این می‌دانند که ادیان، آخرت محور بوده، هدف نهایی انسان را دنیای دیگر می‌دانند.

مراجعه به ادبیات غنی دینی، به‌ویژه اسلام و مطالعه نگرش دین به دنیا، این اشکال یعنی احساس غربت و بی‌علاقگی به این دنیا را که سبب عدم اهتمام به حفظ و نگهداری آن می‌شود، مرتفع می‌سازد. در نگاه دینی گرچه هدف نهایی آخرت بوده و اهتمام ادیان الهی نیز بر این بوده که پیروان خود را برای ساختن دوران طولانی آخرت آماده سازند، این هیچ‌گاه به معنای بی‌توجهی به دنیا و رویگردانی از آن نیست؛ بلکه دنیا مزرعه آخرت دانسته شده و سعادت آخرت از مسیر دنیا معرفی شده است. هر کس مزرعه خود را ویران کند و به آن پردازد، حاصلی را در عالم آخرت نخواهد داشت.

در عبارات حضرت علی علیه السلام دنیا تجارتخانه و سجده‌گاه دوستان خدا معرفی شده (رضی، ۱۳۷۶: ص ۳۸۴، حکمت ۱۳۱) و کسانی که دنیا را مذمت می‌کنند، مورد نکوهش قرار گرفته‌اند (همان).

همین‌طور علامه شهید مطهری دوستی دنیا را فطری دانسته (مطهری، ۱۳۶۶: ص ۲۶۴ و ۲۶۵) و به روایتی از علی علیه السلام استناد کرده که دوستی دنیا را به دوستی مادر انسان تشبیه می‌کند (محمدی‌ری‌شهری، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۸۹۰، ح ۵۷۴۱).

وی آنچه را آموزه‌های دینی درصدد نفی آن برآمده‌اند، دنیاپرستی و غافل‌شدن از هدف نهایی می‌داند.

روشن است که افراد دنیاپرست اگر توجهی به دنیا دارند، برای تأمین سود بیشتر و لذت‌بردن بیشتر از آن است و نمونه آن کسانی هستند که با ولع تمام به استفاده از منابع تمام شدنی و تخریب آن‌ها می‌پردازند تا بر تجمل دنیای خود بپردازند.

قرآن کریم نیز این تصور را که مؤمنان نباید از نعمت‌های دنیا استفاده کنند، نادرست می‌شمارد و می‌فرماید:

قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق قل هي للذين آمنوا في الحيوۃ الدنيا خالصة يوم القيمة (اعراف (۷)، ۳۲).

[ای پیامبر!] بگو زیورهایی که خداوند برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزی‌های پاکیزه

را چه کسی حرام کرده است؟! بگو این نعمت‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت نیز ویژه آنان است.

اهتمام ورزیدن به امور دنیا در کنار تلاش برای آخرت مورد تشویق قرار گرفته و کناره‌گیری از دنیا نهی شده است؛ چنان‌که در قرآن کریم می‌خوانیم:

وابتغ فيما اتیک الله الدار الاخرة و لاتنس نصیبک من الدنيا (قصص (۲۷)، (۷۷).

با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن.

حضرت علی علیه السلام کسانی که آخرت را برای دنیا و دنیا را برای آخرت رها نمی‌کنند، بهترین انسان‌ها می‌شمارد (هندی، ۱۳۹۷ق: ج ۳، ص ۷۳۲، ح ۸۶۰۴).

#### ۴. احیا و حیازت

در بررسی چالش‌ها گفته شد که فتاوای برخی از فقیهان در جواز مطلق استفاده از منابع دولتی (انفال) و نیز مباحات عامه و حتی قول به مالکیت استفاده‌کننده ممکن است این شبهه را تقویت کند که چنین نگاهی به تخلیه منابع پایان‌پذیر و عدم استفاده بهینه از سایر منابع می‌انجامد. این در حالی است که این دو نهاد، سازوکارهایی هستند که به وسیله شرع برای میدان‌دادن به بخش خصوصی پیش‌بینی شده است. بر این اساس، همه افراد براساس ضوابطی می‌توانند ضمن استفاده مطلوب از منابع طبیعی هم نیاز خود را برآورده ساخته و هم موجبات رشد و توسعه جامعه را فراهم آورند. ضمن این‌که باعث می‌شود تا از گسترش بی‌حد و غیرضرور دولت نیز جلوگیری شود.

این نهادها در شریعت پایه تشویق بخش خصوصی در جهت تداوم نوآوری‌های تولیدی است؛ در حالی که امکان داشت بخش عمومی این نوع از زمین‌ها را به انحصار خود درآورده، خود به بهره‌برداری از آن‌ها اقدام کند.

در این‌که احیای ثروت‌های طبیعی باعث مالکیت احیاکننده می‌شود و نیز در شرایط آن اختلاف وجود دارد. مشهور فقیهان بر این عقیده هستند که احیا در منابع با مالکیت دولتی باعث مالکیت احیاکننده می‌شود در مقابل گروهی مانند شیخ طوسی، بحرالعلوم، اصفهانی و شهید صدر از معاصران، فقط حق بهره‌برداری را برای او روا دانسته، معتقدند: مادامی که او



به بهره‌برداری (با حفظ شرایط) اشتغال دارد، کسی نمی‌تواند مزاحمش شود؛ اما همواره مالکیت منبع برای دولت محفوظ است ضمن این‌که اجازه امام علیه السلام یا ولیّ فقیه (دولت اسلامی) در اقدام به احیا شرط است. با این مقدمات، نهاد احیا منجر به تخریب محیط زیست نخواهد شد؛ زیرا دولت در تفویض اجازه احیا شرایط بهره‌بردار و نیز معدن را در نظر می‌گیرد، و در طول بهره‌برداری نظارت او از طریق نهادهای نظارتی و ابزارهای کنترلی باقی است و به لحاظ حفظ مالکیت او، هرگاه ادامه فعالیت را به مصلحت نداند، اجازه بهره‌برداری را لغو می‌کند و در اختیار فرد دیگری قرار می‌دهد و در مواردی ممکن است خود تصدی کند؛ البته لازم است محدوده مصلحت و معیارهای آن مشخص باشد؛ به‌گونه‌ای که اقدام دولت به امنیت شغلی و سرمایه‌ای بهره‌برداران صدمه نزند. افزون بر آن نوعاً بهره‌برداری از طریق بخش خصوصی صورت می‌گیرد؛ بنابراین، زمینه‌های رقابت و کارایی نیز محفوظ است؛ پس با مقدمات و فروض مذکور نهاد احیا به آسیب وارد ساختن به محیط زیست و منابع زیست‌محیطی نخواهد انجامید.

نهاد حیازت نیز که روش استفاده از مباحات عامه است بنابر حکم اولیه آن در این زمان که تعداد بهره‌برداران زیاد و ابزارهای صید و مانند آن هم پیشرفته شده است به‌گونه‌ای که در زمان کمی می‌توان مقادیر بسیاری ماهی صید و تعداد فراوانی از حیوانات جنگلی و مانند آن را شکار کرد، به از بین رفتن گونه‌های جانوری، تخریب مراتع و مانند آن می‌انجامد؛ اما این‌جا هم طبق اصل حاکمیت و نیز جلوگیری از اختلال نظام، دولت می‌تواند حیازت را کنترل کرده، طبق معیارهایی که در اقتصاد منابع درباره بهره‌برداری از این منابع آمده، مجوز بهره‌برداری از آن‌ها را صادر کند و نظارت خود را بر آن‌ها به منظور تحقق این شرایط محفوظ دارد. در این صورت، تخریب محیط زیست، و ناسازگاری با توسعه پایدار پیش نخواهد آمد.\*

\* برای اطلاع تفصیلی از ادله درباره احیا و حیازت، ر.ک. سعید فراهانی‌فرد، سازگاری بهره‌برداری از منابع طبیعی با توسعه پایدار در اسلام، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی حسین صادقی، ۱۳۸۴ش.

## پیشنهادها

با توجه به زمینه‌های موجود در رهنمودهای حیاتبخش دین مبین اسلام و نیز پتانسیل موجود در قانون اساسی و چشم‌انداز بیست ساله توسعه کشور، توجه به نکات ذیل در جهت حفظ محیط زیست اهمیت دارد.

۱. تبیین حقوق مالکیت منابع زیست‌محیطی براساس فقه مبین اسلام و اجرایی‌کردن راهکارهای ارائه شده از جانب شریعت درباره چگونگی بهره‌برداری بخش خصوصی از این منابع.
۲. همان‌گونه که در مقاله بیان کردیم، انسان‌های تربیت شده در دامان مکتب، با رعایت حقوق انسان‌های دیگر که براساس اصل اخوت، آن‌ها را برادر خود می‌دانند و نیز حقوق گونه‌های گیاهی و جانوری را حفظ می‌کنند، در مصرف منابع اسراف نمی‌کنند؛ به خدا و روز قیامت و این‌که جانشین و امانت‌دار خداوند هستند، اعتقاد دارند؛ دنیا را مزرعه آخرت دانسته، در حفظ آن کوشا هستند؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین رسالت‌های دولت اسلامی ایجاد زمینه‌های رشد و تعالی معنویت و اشاعه فرهنگ و اخلاق زیست‌محیطی بین آحاد جامعه است و کنار بالا بردن چنین فرهنگی با ایجاد روحیه اعتماد متقابل و شخصیت‌دادن به شهروندان می‌توان آنان را در امر پایداری توسعه و رعایت حقوق یک‌دیگر و جلوگیری از تخریب محیط زیست سهیم کرد.
۳. اصلاح نهادهای موجود و ایجاد نهادهای لازم جهت کنترل و نظارت بر چگونگی بهره‌برداری از منابع زیست‌محیطی و تضمین منافع نسل‌هایی که در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری حضور ندارند.
۴. نهاد امر به معروف و نهی از منکر در جایگاه ناظر عمومی، همواره می‌تواند از بسیاری از تخلفات عمدی و ناخواسته جلوگیری کند؛ بنابراین، شایسته است در نهادینه‌کردن و تقویت این سرمایه اجتماعی اقدام‌های لازم صورت گیرد.
۵. ایجاد نهادی با عضویت جوانان، به منظور حفظ منافع نسل‌های آتی: پیشنهاد می‌شود این نهاد در تصمیم‌گیری‌هایی که آثار آن به نسل‌های بعد هم مربوط می‌شود، حضور داشته و خسارت‌هایی را که از فعالیت‌های تولیدی این نسل متوجه نسل‌های بعد می‌شود گرفته، برای آینده سرمایه‌گذاری کنند.

## منابع و مأخذ

## أ. فارسی و عربی

۱. اصفهانی، محمدحسین، حاشیه مکاسب، بی جا، نشر محقق، الاولی، ۱۴۱۸ق.
۲. آل بحر العلوم، سیدمحمد، بلغة الفقیه، تهران، مکتبه الصادق، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۳ق.
۳. الامدی التیمی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالكلم، تحقیق میرسید جلال الدین محدث الارموی، جامعه تهران، ۱۳۶۰ش.
۴. بارو، کریستوفر جی، اصول و روش های مدیریت محیط زیست، مهرداد اندرودی، تهران، نشر کنگره، ۱۳۸۰ش.
۵. بخش آموزش علمی و فنی و حرفه ای یونسکو، آموزش بین المللی محیط زیست (پیوست ب)، پروژه برومند، تهران، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۰ش.
۶. برنامه توسعه سازمان ملل، گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، قدرت الله معمارزاده، بی جا، بی نا، بی تا.
۷. بری، جان، محیط زیست و نظریه اجتماعی، حسن پویان و نیره توکلی، انتشارات سازمان محیط زیست، اوژ، ۱۳۸۰ش.
۸. بونفو، ادوار، آشتی انسان و طبیعت، صلاح الدین محلاتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، اوژ، ۱۳۷۵ش.

۹. پانایوتو تئودور، *ابزارهای تحول برای فراهم کردن موجبات توسعه پایدار*، سیدامیر ایافت، تهران، سازمان حفاظت از محیط زیست، اول، بی تا.
۱۰. پرمن راجرز، یوما و مک گیل، ری جیمز، *اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی*، حمیدرضا اریاب، تهران، نشر نی، اول، ۱۳۸۲ش.
۱۱. تازه کام شعبان و شیخی علی رضا، *علوم کشاورزی و منابع طبیعی در متون اسلامی*، گرگان، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، بی تا.
۱۲. ترنر، آر. ک، باتمن، دی. پیرس، ای، *اقتصاد محیط زیست*، سیاوش دهقانیان و عوض کوچکی و علی کلاهی اهری، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۴ش.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۱۴. رضی، الشریف ابوالحسن محمد، *نهج البلاغه*، سیدجعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ش.
۱۵. سعدالدین، محمدمنیر، *«محیط زیست و مسؤولیت انسان»*، فرهنگ جهاد، ش ۴، بی تا.
۱۶. سیدجمیل، محمد، *قضايا البيئة من خلال القرآن و السنة*، منشورات المنظمة الاسلامیة للتربية و العلوم و الثقافة، ۱۴۲۰ق.
۱۷. شوماخر، ای. اف، *کوچک زیبا است*، علی رامین، تهران، سروش، ۱۳۷۲ش.
۱۸. صدر، سیدمحمدباقر، *اقتصادنا*، خراسان، مکتب الاعلام الاسلامی، الاولى، ۱۳۷۵ش.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *تفسیر المیزان*، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ش.
۲۰. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، *نهایه*، الثانی، بیروت، دارالاندلس، ۱۴۱۷ق.
۲۱. فضلان ام، خالد و براین، جوان ا، *اسلام و محیط زیست*، اسماعیل حدادیان مقدم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۷۸ش.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، الثانی، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.

۲۳. محمدی‌ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، التنقیح الثاني، اول، قم، ۱۴۱۶ق، ج ۱.  
۲۴. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، قم، انتشارات صدرا، چهارم، ۱۳۶۶ش.

۲۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ش.  
۲۶. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه، مشهد، مؤسسه آل‌ال‌بیت لاحیاء التراث، الاولی، ۱۴۱۵ق.

۲۷. نصر، سیدحسین، دین و نظام طبیعت، محمدحسن غفوری، تهران، حکمت، اول، ۱۳۸۴ش.

۲۸. ———، نیاز به علم مقدس، حسن میان‌داری، قم، طه، اول، ۱۳۷۹ش.  
۲۹. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل‌ال‌بیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ش، ج ۱۷.

۳۰. هات، جان اف، علم و دین، بتول نجفی، قم، کتاب طه، اول، ۱۳۸۲ش.  
۳۱. هندی، علاء‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، اول، ۱۳۹۷ق.

## ب. انگلیسی

1. Fazlun, M. Khalid "Islam and the Environment" Journal of Social and economics demensions of global environmentalchange , V 5, 2001.
2. Goodstein, Eban S. "Economics and environment" Lewis and Clark College, 1999.
3. Hanley, Nick; Shgren, Jason F.; Whith, Ben, "Environmental Economics In Theory And Practice" 1997.
4. Passmor, john, Man`s, Responsibility for Nature, New York: scribner, 1974.
5. Perman, Roger; Mcgilvray, Yue Ma, James; Common, Michael "Natural resources and environmental economics" Pearson educated

limited, 1999.

6. Rinaldi, F. M. Int. J., "Sustainable natural resource management through multi-regional cooperation," Environment and Pollution, 18, (3), 2002.
7. Train, Russell, *Vital Speech of the Day*, 1990.
8. Turner, R.K., "Sustainable Environmental Management", London, Belhaven, Volume 69, 1988.
9. White, Lynn, "The Historical Roots of Oure Ecological crisis" Science, Vol 155.

۱۲۲

اقتصاد اسلام

سال ششم / تابستان ۱۳۸۵



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی